عناصر فاسد و منحرف از همه نهادهای دولتی مخصوصاً مراکز فرهنگی و دانشگاهی و حاکمیت نیروهای مخلص حزب‌اللهی و بسیجی» برای مجلس پنجم در شهرستان‌ها فعالیت را آغاز کردند اما شکست قاطعی خوردند و حتی یک کرسی هم به‌دست نیاورند. البته این شکست روندشان را متوقف نکرد و به راه خود تا انتخابات خرداد ۱۳۷۶ ادامه دادند. در انتخابات دوره هفتم ریاست‌جمهوری، در حالی که اجماع جناح راست روی علی‌اکبر ناطق‌نوری بود، دفاع از ارزش‌ها، بدون توجه به نظر جامعه روحانیت مبارز، محمدی ری‌شهری را به عنوان کاندیدا معرفی کردند؛ روندی که در مجموع با شکست جناح راست در انتخابات دوم خرداد همراه شد و سرانجام به جایی کشید که در آبان ۱۳۷۸، پرونده این گروه بسته شد و اعلام انحلال کردند، تا عمر فعالیت‌شان به ۵ سال هم کشیده نشود.

در این گروه، همانطور که عنوان شد شاخص‌ترین چهره محمدی ری‌شهری بود؛ فردی که پیش از آن زمان اصولاً وارد این نوع فعالیت‌های گروهی نشده بود و حتی در روزگاری که بیشتر روحانیون، در جامعه روحانیت مبارز عضو بودند، او به صورت جدی وارد این تشکل نشد. اما علاوه بر او که رهبری گروه را بر عهده داشت، می‌توان به چهره‌هایی چون روح‌الله حسینیان و محمد شریعتمداری اشاره کرد که در همان مقطع سعی داشتند در کنار ری‌شهری نقش لیدری را ایفا کنند که ناموفق بودند.

جریان سوم و چهارم- مهرورزی و پایداری

استارت سومین انشعاب از دل اصول‌گرایان از سال ۸۴ و با در دستور کار قرار گرفتن موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم زده شد. ماجرا از این قرار بود که اصول‌گرایان برای در اختیار گرفتن قوه مجریه قصد داشتند ائتلاف کرده و نامزد واحدی را معرفی کنند؛ در همین مسیر افراد مدنظر به جلسه فراخوانده می‌شدند اما زمانی که نتایج درون گروهی برای معرفی نامزد واحد اعلام شد، یک نفر ساز مخالف زد، زیر بار تصمیم درون خانوادگی نرفت و گفت خودش می‌خواهد در انتخابات شرکت کند. ناطق‌نوری درباره این موضوع گفته است: «به هر حال بعد از آن جلسه‌ی ما با ایشان، آقای احمدی‌نژاد قهر کرد و رفت. فردایش هم نامه نوشت که من دیگر با جمع شما نیستم. آقای احمدی‌نژاد قهر کرد و رفت. خُب این از ایشان؛ آقایان دیگر هم هر کدام به دلیلی از صرافت کار تشکیلاتی افتادند و جدا شدند و از طرف دیگر مسائل دیگری هم رخ داد و به هر تقدیر تمام بافته‌ها تافته شد و تنها نامزدی که پایبند ماند آقای علی لاریجانی بود.»

به هر ترتیب، احمدی‌نژاد در مرداد ۱۳۸۴ به عنوان رئیس جمهور سوگند یاد کرد اما نکته عجیب این است که سروصدایی از سایر اصول‌گرایان شنیده نمی‌شد و طوری رفتار می‌کردند که گویا اتفاقی پیش از انتخابات رخ نداده است. ظاهراً ذات قدرت گرفتن فردی از جناح راست آنقدر برایشان شیرین بود که در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش توجهی به خودمحور بودن احمدی‌نژاد نمی‌کردند؛ روندی که تا انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم در سال ۱۳۸۸ ادامه پیدا کرد و آنها به دفاع از احمدی‌نژاد، ایجاد تقدس برای وی و خودی نشان دادنش، ادامه می‌دادند. به عبارتی گسل‌ها از بهار ۸۴ ایجاد شده بود اما به دلایلی چون دشمن مشترک دانستن اصلاح‌طلبان و ترس از قدرت گرفتن دوباره اصلاحات، این گسل‌ها نه‌تنها فعال نمی‌شد، بلکه گاهی اوقات پیرامون شخص رئیس دولت، اتفاقات عجیبی چون سر کشیدن لیوان آب او به نشانه تبرک، اتفاق می‌افتاد. اما این داستان تا انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری ادامه داشت و پس از تمدید دوره ریاست احمدی‌نژاد بر دولت، گسل‌ها فعال شدند. در واقع از ابتدای دوره دهم ریاست‌جمهوری، زمینه برای فعال شدن این گسل‌ها فراهم شد؛ ماجرایی که از روند انتخاب معاون اول آغاز شد و در فروردین ۱۳۹۰ و ماجرای استعفای حیدر مصلحی از وزارت اطلاعات و داستان خانه‌نشینی ۱۱ روزه محمود احمدی‌نژاد به اوج رسید تا زمینه برای جدا شدن طیف وسیعی از اصول‌گرایان از احمدی‌نژاد و جریانش فراهم شود.

در آن مقطع، علاوه بر فاصله گرفتن علنی بخشی از اصول‌گرایان از احمدی‌نژاد، اتفاق مهم دیگری هم در بین آنها رخ داد. پس از ماجرای خانه‌نشینی در ابتدای سال ۹۰، برخی از وزرای محمود احمدی‌نژاد، ساز جدایی جریانی از او را کوک کرده و جریانی را با عنوان جبهه پایداری و با محوریت صادق محصولی و البته در نظر گرفتن تفکرات محمدتقی مصباح‌یزدی، به وجود آوردند. به عبارتی، اگر محمود احمدی‌نژاد را منشعب‌شده از دل جریان اصول‌گرایی بدانیم، پایداری انشعاب در انشعابی بود که از درون جریان احمدی‌نژاد به وجود آمد.

پیش از اینکه به معرفی لیدرهای این دو گروه بپردازیم، باید به روند فعالیت آنها اشاره‌ای کوتاه کنیم. جریانی که محمود احمدی‌نژاد در رأس آن حضور دارد و خودشان را «دولت بهار» نامگذاری کرده‌اند را می‌توان گروه هست و نیست، خطاب کرد؛ به عبارتی آنها هم هستند و هم نیستند. نیستند از این جهت که فعالیت آنچنانی ندارند، هستند از آن جهت که در آستانه انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، پیدایشان شده و به وسیله یکی از لیدرهای شاخصی که دارند، خودنمایی می‌کنند و پس از ردصلاحیت در انتخابات ساکت شده تا به دور بعدی برسند. البته نباید فراموش کرد که آنها در ابتدای دولت حسن روحانی از طریق احمدی‌نژاد و دو لیدر دیگر بهاری‌ها، اظهارات جنجالی زیادی داشتند اما هیچ‌کدام به نتیجه منتهی نشد و هیجان‌شان به پایان رسید؛ به عبارتی می‌توان این گروه را تمام‌شده تلقی کرد.

اما در مقابل، ماجرا برای جبهه پایداری متفاوت است. آنها اولین گام جدی خود را در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری دوره یازدهم برداشتند؛ جایی که بدون توجه به اینکه در جریان اصول‌گرا چه می‌گذرد، به صورت مستقل وارد انتخابات شده و ابتدا کامران باقری‌لنکرانی را کاندیدا کرده و سپس، پس از ردصلاحیت، سعید جلیلی را محور قرار دادند، کار را پیش گرفتند و همراه با سایر اصول‌گرایان از اصلاح‌طلبان شکست خوردند. این روند تا سال ۹۸ هم ادامه پیدا کرد و آنها سعی می‌کردند به صورت جزیره‌ای مستقل عمل کنند اما از آن سال و در جریان انتخابات مجلس یازدهم، توانستند خود را به جریان‌های اصلی اصول‌گرایان نزدیک کرده و در راستای همان هدف مشترک سابق (دشمن مشترک)، پیش‌روی کنند و با هر روش ممکن و کمک‌های خارج از چارچوب، قدرت را در اختیار بگیرند اما این روند کمتر از ۵ سال دوام آورد. درگذشت ناگهانی سیدابراهیم رئیسی در اردیبهشت‌ماه سال گذشته و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری در تابستان ۱۴۰۳، زمینه فعال شدن گسل قدیمی را فراهم کرد و منشعب‌شده‌ها از دولت احمدی‌نژاد، با تمام قدرت مقابل اصول‌گرایان صف‌آرایی کردند؛ روندی که ماجرای سال ۹۲ را برای آنها و اصول‌گرایان تکرار کرد و یکبار دیگر، قدرت به اصلاح‌طلبان واگذار شد.

اما درباره لیدرها و چهره‌های اصلی این دو گروه هم باید به دو جهت اشاره داشت. اول اینکه درباره دولت بهاری‌ها، آنها محمود احمدی‌نژاد را دارند و او در کنار خود اسفندیار رحیم‌مشایی و حمید بقایی را داشت که به نوعی لیدرهای سطح پایین‌تر از او محسوب می‌شدند اما نکته اینجاست که بقایی و مشایی دیگر عملاً وجود ندارند و فعالیت نمی‌کنند. البته نباید فراموش کرد که چه در مقطعی که احمدی‌نژاد قدرت داشت و چه پس از آن، این جریان در معرفی لیدر از درون خود ناکام بوده و همه بار روی دوش احمدی‌نژاد بود. ولی ماجرا درباره جبهه پایداری متفاوت است. آنها که با تکیه بر دیدگاه‌های مرحوم مصباح‌یزدی فعالیت خود را آغاز کرده بودند، در هرم خود چهره‌های شاخص کابینه احمدی‌نژاد را داشتند که شاخص‌ترین آنها، صادق محصولی بود. در کنار محصولی، چهره‌هایی چون کامران باقری‌لنکرانی، غلامحسین الهام، محمد سلیمانی، زهره طبیب‌زاده و مرتضی آقاتهرانی، از دیگر چهره‌های سرشناسی بودند که این کشش را در بخشی از خودی‌ها داشتند که بتوانند تاثیرگذار باشند اما به مرور، برخی چهره‌ها از آن حلقه ابتدایی دور شدند و دیگر خبری از الهام، سلیمانی و باقری‌لنکرانی نیست. نکته مهم درباره جبهه پایداری این است که آنها به غیر از داشته‌های قبلی خود، چهره جدیدی را رو نکرده‌اند و با همان داشته‌های قبلی به کار خود ادامه می‌دهند.

جریان پنجم- دوران شریان

اسفندماه ۱۴۰۱ و در حالی که اصول‌گرایان با انواع روش‌ها موفق شده بودند قدرت را یکدست کنند، ماجرایی دیگر پیش آمد و خبری منتشر شد مبنی بر اینکه گروهی جدید در بین اصول‌گرایان با نام شریان (شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی) اعلام موجودیت کرده است. هرچند اعلام موجودیت بدون حساب و کتاب احزاب و گروه‌ها در ایران نکته عجیبی محسوب نمی‌شود و ده‌ها حزب و گروه وجود دارد که حتی برای سیاسیون هم نام آنها آشنا نیست، اما ماجرا درباره شریان به شکل دیگری بود. در لیست اولیه شورای مرکزی آنها، نامی آشنا دیده می‌شد که پیش از این در جبهه پایداری فعال بود، ولی مدتی بود که از آن جبهه جدا شده بود. نگاهی به دیدگاه‌هایی که این جریان دارد، آنها را شبیه به جبهه پایداری نشان می‌دهد. به عبارتی می‌توان گفت آنها «انشعاب در انشعاب در انشعاب» به شمار می‌روند که با سرعت بالایی در حال فعالیت هستند و سیاست‌هایی را در پیش گرفته‌اند که نشان از این دارد که می‌خواهند راهی جدا از سایر اصول‌گرایان طی کنند؛ کما اینکه در جریان انتخابات مجلس دوازدهم کاملاً مقابل اصول‌گرایان و حتی جبهه پایداری ایستادند و مستقل از آنها پیش رفتند.

اما درباره چهره‌های این گروه چه می‌توان گفت؟ برخلاف جبهه پایداری، آنها به صورت مستقیم فردی را به عنوان لیدر معنوی خود معرفی نکرده‌اند اما نگاهی به کانال تلگرامی‌شان نشان می‌دهد که بر محوریت سیدمحمدمهدی میرباقری فعالیت می‌کنند؛ هرچند خودشان چنین چیزی را نگفته‌اند. اما در مجموعه شریان، مطرح‌ترین چهره‌ها که شاید توانایی لیدر شدن را داشته باشند، مانند پایداری به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌رسند. کافی است به لیست شورای مرکزی نگاه کنیم، جز حمیدرسایی چهره‌ای که برای جامعه شناخته شده باشد، وجود ندارد.

در کدام مسیر قرار دارند؟

با آنچه که در این گزارش مورد اشاره قرار گرفت، می‌توان این موارد را مورد توجه قرار داد:

۱ در بین ۵ جریانی که مورد اشاره قرار گرفت، سه جریان مشغول به فعالیت هستند اما دو جریانی که از دل اصول‌گرایان منشعب شده بودند، فاقد فعالیت هستند. البته اشاره شد که جریان احمدی‌نژاد در آستانه هر انتخابات با محوریت شخص رئیس دولت‌های نهم و دهم به میدان آمده، چند روزی فعالیت می‌کند و بعد از آن ساکت می‌شود. به عبارتی می‌توان آنها را هم در کنار دفاع از ارزش‌ها جریانی پایان‌یافته دانست.

۲ در بحث لیدری معنوی و یا همان ریش‌سفیدی، مجموعه هر سه جریان اصول‌گرا که مشغول به فعالیت هستند، با مشکل بزرگی روبه‌رو هستند. جریان اول که هاشمی‌رفسنجانی، ناطق نوری و مهدوی کنی را از دست داد. پس از او حدادعادل در تلاش است که چنین نقشی را ایفا کند که البته به هیچ عنوان نمی‌توان او را حتی نزدیک به شخصیت‌هایی چون هاشمی‌رفسنجانی، ناطق نوری و مهدوی کنی تلقی کرد. اصول‌گرایان به حرف آن سه نفر، با آن سابقه گوش ندادند، حداد که جای خود دارد. درباره پایداری اوضاع کمی بهتر است. آنها بعد از درگذشت مصباح‌یزدی، تقریباً بخش مهمی از لیدری معنوی خود را به مرتضی آقاتهرانی سپرده‌اند؛ هرچند فاصله زیاد مصباح و آقاتهرانی هم امری کاملاً مشخص است. اما درباره شریان اوضاع کاملاً عجیب است، آنها برخلاف پایداری، سراغ کسی نرفته‌اند و ماجرای میرباقری هم فقط بخاطر نزدیک بودن دیدگاه‌هایشان به یکدیگر است.

۳ درباره سطوح دیگر لیدری، وضعیت در جریان اول کمی بهتر است و آنها به واسطه حضور افرادی چون علی لاریجانی، محمدرضا باهنر و محمدباقر قالیباف، حداقل چیزی برای ارائه دارند اما اوضاع در جریان‌های زنده دیگر عجیب است. اگر از کنار نام نماینده‌های جنجالی که به مجلس رفته‌اند عبور کنیم، بعضاً شاهد این هستیم که این جریان‌ها چون خودشان نیرویی برای اقناع جامعه ندارند، سراغ نیروهای بیرونی می‌روند. به عبارتی هر چهره جنجالی که حرفی مشابه آنها بزند، آنها خود را نزدیکِ او می‌کنند تا از قبال او اعتبار پیدا کرده و از نظر کلامی در مسیر هدف حرکت کنند. اینکه این چهره چه کسی و در کجاست برایشان مهم نیست.

بعضاً شاهد این هستیم که این جریان‌ها چون خودشان نیرویی برای اقناع جامعه ندارند، سراغ نیروهای بیرونی می‌روند. به عبارتی هر چهره جنجالی که حرفی مشابه آنها بزند، آنها خود را نزدیکِ او می‌کنند تا از قبال او اعتبار پیدا کرده و از نظر کلامی در مسیر هدف حرکت کنند. اینکه این چهره چه کسی و در کجاست برایشان مهم نیست

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران- اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
م الف: ۱۹۰
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۹۳۵۲-۱۴۰۳/۱۲/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فاطمه براتی به شماره شناسنامه ۸ کد ملی ۰۴۹۲۸۵۶۲۵۷ صادره از شهرری فرزند ترابعلی در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۸/۶۷ مترمربع پلاک شماره ۵۵۸ فرعی از ۱۱۲۳ اصلی واقع تهران بخش حوزه ثبت ملک شهرری خریداری به موجب (قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخش نامه‌های ثبتی مورد ثبت صفحه ۷۱ دفتر ۵) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۲/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۴
سیدمهدی لامعی- رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهرری
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
م الف: ۱۹۳
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۸۳۹۷-۱۴۰۳/۱۲/۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قاسمعلی کوهی به شماره شناسنامه ۲۲۰۷ کد ملی ۴۰۳۰۳۶۳۳۰۱ صادره از کبودرآهنگ فرزند غلامحسین در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۲۸ مترمربع پلاک شماره ۲۰۴ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهرری خریداری به موجب (قولنامه عادی مع‌الواسطه از آقای رضا پازوکی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۲/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۴
سیدمهدی لامعی- رئیس ثبت اسناد و املاک

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور- حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان
شناسه آگهی: ۱۹۲۴۱۸۵
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف
برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض – میلاد عربعلی به شماره شنعاسنامه ۶۱۹ به شماره ملی ۲۱۲۲۶۱۸۶۹۸ صادره از گرگان فرزند زیداله متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۳۰۶ در دو دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است. ۲-شایان خلیقی به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۳۶۲۹۹۵ به شماره ملی ۲۱۱۰۳۶۲۹۹۵ صادره از گرگان فرزند محمدرضا متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۳۰۷ در دو دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است. ۳- هومان خلیقی به شماره شناسنامه ۲۱۱۰۷۵۸۰۳۱ به شماره ملی ۲۱۱۰۷۵۸۰۳۱ صادره از گرگان فرزند محمدرضا متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۲۳۰۸ در دو دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت کل ۳۰۹/۵۱ مترمربع از پلاک ۸۹- اصلی واقع در اراض خرگوش تپه بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵
مهدی شاه مهری - کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان - از طرف محمد فندرسکی

چهره‌ها

زخم تازه بر پیکر صلح جهانی

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «این روزها شایعاتی مبنی بر جعل نام تاریخی خلیج فارس توسط رئیس‌جمهور آمریکا منتشر شده است. شوخی با تاریخ و فرهنگ و روح جمعی ایران و ایرانیان نه‌تنها خواب‌های سیاسی را به‌هم می‌ریزد بلکه زخم تازه‌ای بر پیکر صلح جهانی و منطقه‌ای وارد می‌کند. امیدوارم خرد به جای بی‌خردی بنشیند.»

توطئه اسرائیلی در تغییر نام خلیج فارس

محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفت‌وگو با جماران در پاسخ به سوالی در خصوص احتمال جعل نام «خلیج فارس» توسط ترامپ، گفت: «اگرچه گفته می‌شود ترامپ در گذشته کارهایی غیرعادی مانند تغییر نام خلیج مکزیک هم داشته، اما بعید می‌دانم او برای رشوه به کشورهای خلیج فارس در مورد خلیج فارس مرتکب چنین اشتباهی شود، چراکه به جنگ تاریخ نمی‌توان رفت و همه می‌دانند به طور تاریخی نام این خلیج، خلیج فارس بوده و تمام ایرانیان نسبت به جعل نام آن حساس بوده و واکنش نشان می‌دهند.» او ادامه داد: «این قدام احتمالی را یک توطئه اسرائیلی می‌دانم، چراکه رژیم صهیونیستی اکنون مخالف مذاکرات است و تاکنون راه‌های مختلفی را برای بر هم خوردن آن رفته و هر بار شکست خورد. لذا از آنجایی که این رژیم حساسیت ملت و دولت ایران را می‌داند، بعید نمی‌دانم از طریق عوامل نفوذی خود در اطراف ترامپ اینگونه کارها را پیش برده و به ترامپ القاء کرده باشند که انجام چنین کاری به نفع روابط تجاری با اعراب خواهد بود. اگر این کار انجام شود، بر مذاکرات اثر منفی می‌گذارد و چه‌بسا آن را بر هم بزند و برنامه ترامپ برای مذاکره خراب می‌شود. لذا ترامپ باید مراقب باشد در دام صهیونیست‌ها نیفتد.»

دو قطبی خلاف منافع ملی است

علی خضریان، نماینده مجلس در گفت‌وگو با ایلنا گفت: «با توجه به این بازه زمانی مهمی که کشور ما درگیر آن است، باید یکسری ضرورت‌ها در کشور ما بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد و همه ما باید به آن پایبند باشیم و نسبت به آن به دقت عمل کنیم.» او همچنین گفت: «در این وضعیت، قاعدتاً ایجاد هرگونه دوقطبی اجتماعی و دامن زدن به شکاف‌های سیاسی، نگاه انتخاباتی به مسائلی که منافع ملی ما درگیر آن است؛ از جمله مذاکرات، مسائل سیاست داخلی، مسائل اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم و مسائلی که در سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی ما رقم می‌خورد، خلاف منافع ملی است و قاعدتاً همه کسانی که در کشور مسئولیت دارند، از جمله در دستگاه‌های اجرایی، دستگاه تقنینی، دستگاه قضایی و صداوسیمای جمهوری اسلامی همه باید این را مراعات و مراقبت کنند.»